

به نام خدا

سبک فرزند پروری و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی

مؤلف :

سمیه ارجمند

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: ارجمند، سمیه، ۱۳۶۲-

عنوان و نام پدیدآور: سبک فرزند پروری و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی / مولف سمیه ارجمند.

مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۷۹ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۵۰۳-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۶۸ - ۷۹.

موضوع: کودکان -- سرپرستی

Child rearing

پیشرفت تحصیلی

Promotion (School)

والدین و کودک

Parent and child

رده بندی کنگره: HQ۷۶۹

رده بندی دیویی: ۶۴۹/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۶۲۴۷۱

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: سبک فرزند پروری و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی

مولف: سمیه ارجمند

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: زرجد

قیمت: ۶۴۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۵۰۳-۱

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



فهرست مطالب

۵.....	فصل اول
۵.....	کلیات
۶.....	مقدمه
۲۱.....	اهمیت موضوع
۲۵.....	فصل دوم
۲۵.....	مبانی نظری
۲۶.....	مقدمه
۲۷.....	مفهوم پیشرفت تحصیلی
۲۸.....	پیشرفت تحصیلی به عنوان یک شاخص یادگیری
۲۸.....	نظریه سازنده‌گرایی
۲۹.....	انواع نظریه‌های سازنده‌گرایی
۲۹.....	سازنده‌گرایی روانشناختی یا درون زاد
۳۰.....	سازنده‌گرایی اجتماعی یا دیالکتیکی
۳۰.....	سازنده‌گرایی رادیکال
۳۱.....	کاربردهای آموزشی نظریه سازنده‌گرایی
۳۱.....	نظریه آموزشی کارکردگرایی
۳۲.....	نظریه یادگیری شناختی - اجتماعی بندورا
۳۴.....	عوامل موثر در پیشرفت تحصیلی
۳۵.....	راههای نیل به پیشرفت تحصیلی
۳۵.....	شیوه‌های فرزند پروری
۳۶.....	تعریف فرزند پروری
۳۷.....	سبکهای فرزند پروری
۳۷.....	نظریه بامریند

۴۴	تنوع فرهنگی در رابطه با فرزند پروری
۴۶	نظریه اریکسون
۴۷	نظریه آدلر
۴۹	الگوی شفر
۵۱	الگوی وینتر باتوم
۵۲	مفهوم هیجان
۵۴	تاریخچه هیجان
۵۴	اجزای هیجان
۵۵	انواع هیجان
۵۷	هیجان‌های اولیه و ثانویه
۵۷	مفهوم مدیریت هیجان
۵۸	خانواده و مدیریت هیجان
۵۸	۱-۷-۳-۲. مداخلات والدین در مدیریت هیجان کودکان
۶۰	فضای هیجانی خانواده
۶۲	نظریه‌های هیجان
۶۲	نظریه شاکتر و سینگر
۶۲	نظریه پسخوراند چهره
۶۳	نظریه واینر
۶۳	نظریه اکمن
۶۴	نظریه شبکه‌های جیمز- لانگه
۶۶	سخن آخر
۶۸	منابع

فصل اول

کلیات

مقدمه

روان شناسان رشد همواره علاقه مند بوده اند که چگونگی تأثیر روش های تربیتی والدین را بر رشد قابلیت های اجتماعی کودکان مطالعه و بررسی نمایند. یکی از مهم ترین مباحث در این حوزه فرزند پروری نامیده می شود. فرزندپروری فعالیت پیچیده ای شامل روش ها و رفتارهای ویژه است که به طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می گذارد. در واقع پایه و اساس شیوه فرزند پروری مبین تلاش های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکان شان است. البته باید توجه داشت که در این تعریف روش های بهنجار، فرزند پروری مورد نظر است و روش هایی چون سوء استفاده از کودکان را در برنمی گیرد. بامریند^۱ روش های فرزندپروری را براساس تفاوت های آن در کنترل فرزندان متمایز کرده است اگرچه والدین ممکن است در چگونگی کنترل و اجتماعی کردن فرزندان خود با یکدیگر تفاوت داشته باشند، ولی به نظر می رسد که همه والدین در تعلیم و تربیت و نظارت بر فرزندان نقش اولیه را به عهده دارند (شکوهی یکتا، پزند، فقیهی، ۱۳۹۲).

بامریند (۱۹۹۱) سبک فرزند پروری را به عنوان کارکرد کنترلی والدین معرفی می کند و با توجه به ابعاد رفتاری، گرمی و کنترل، آن را به انواع مستبدانه^۳، مقتدرانه^۴ و سهل گیرانه^۵ تقسیم می کند. سبک فرزندپروری مستبدانه، با کنترل سخت، سطح محدودیت بالا، انضباط ناپایدار و خشن، میزان پایین حمایت عاطفی و گرمی مشخص می شود. والدین با این سبک

1 - Parenting

2 - Baumrind

3 - authoritarian

4 -Authoritative

5 - permissive

فرزندپروری فاقد گرمی و صمیمیت در روابط خود با فرزندان هستند و انتظار دارند که فرزندان خواسته‌ها و تقاضاهای آنها را بی چون و چرا برآورده کنند.

سبک فرزندپروری مقتدرانه با ترکیبی از کنترل و حمایت عاطفی بالا، سطح مناسب استقلال و روابط دوسویه بین والدین و کودک شناسایی می‌شود. والدین با این سبک تربیتی به صورت افرادی گرم و صمیمی توصیف شده‌اند. آنها در عین حال که بر رفتارهای کودکانشان کنترل دارند، برای خواسته‌هایی که از فرزندان خود انتظار دارند نیز از دلایل و توضیحات منطقی استفاده می‌کنند و قواعد آشکاری را برای رفتار مناسب فرزندان خود تعریف می‌کنند.

سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با فقدان کنترل والدین و پاسخ‌دهی به خواسته‌های کودک مشخص می‌شود. والدین سهل‌گیر سعی دارند برای کودکان خود محیطی گرم، آرام و پذیرا به وجود آورند، با این حال بر اعمال فرزندان خود کنترل و نظارت ندارند (کارازه، عبدی، حیدری، ۱۳۹۴). روانشناسان، شخصیت را بیشتر محصول عوامل ژنتیکی و فردی می‌دانستند اما به تدریج با توسعه دانش و انجام مطالعات تجربی به خصوصیات و عوامل محیطی - اجتماعی نیز اهمیت دادند. لذا، آنان معتقدند که پنج سال اول زندگی، بیشترین تاثیر را در زندگی فرد دارد؛ همچنین مطالعات مختلف نشان می‌دهد یکی از عوامل موثر در توسعه و شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی جوانان، شیوه فرزندپروری والدین است. و خانواده، یکی از مهمترین عوامل محیطی تاثیرگذار در فرایند تکوین شخصیت و ویژگی‌های شخصیتی

است (قدس علوی، ۱۳۹۲). در هم آمیزد، که شامل چهار بعد سرشت^۱ و سه بعد منش^۲ می باشد (ادن^۳، سرا^۴، کاسی^۵، ناتالی^۶؛ ۲۰۰۹).

یکی از مسائل و مشکلات دانش آموزان در محیط آموزشی ضعف در کنترل و مدیریت هیجانات می باشد. هیجان نقش اساسی در مطالعه‌ی رشد کودک دارد. واژه هیجان برای اشاره به یک احساس، فکر، حالت روانی و بیولوژیکی مختص آن احساس و دامنه‌ای از تمایلات شخص برای عمل کردن بر اساس آن، به کار می رود (تامپسون^۷؛ ۲۰۱۹). مدیریت هیجان^۸ به معنای تلاش افراد برای تأثیر گذاشتن بر روی نوع، زمان، چگونگی تجربه و بیان، تغییر طول دوره یا شدت فرایندهای رفتاری، تجربی و یا جسمانی هیجانها است و به طور خودکار یا کنترل شده، هشیار یا ناهشیار و از طریق به کارگیری راهبردهای مدیریت هیجان انجام می - گیرد (هارل، هادسون و اشنیرینگ^۹؛ ۲۰۱۶). هر یک از این راهبردها شامل اقدامات متعددی است که می تواند برای هر دو حالت عاطفی مثبت و منفی اعمال شود و ممکن است انطباقی و یا غیر انطباقی باشند (مظاهری، شریفی و معین، ۱۳۹۸). هیجانات بسیاری از رفتارها و تجربیات کودک را سازماندهی می کنند و در اکثر روابط نقش اساسی دارند. بسیاری از موضوعات در روانشناسی تحولی دارای پایه هیجانی یا حداقل انعکاسی از آن هستند، مانند

1-Temperament

2-Character

3-Adan

4-Serra

5-Caci

6-Natale

7 Thompson

8 Emotion management

9 Hurrell, Hudson & Schniering

علاقه، کاوش، خلق و خو، پرخاشگری، دلبستگی، روابط دوستی با همسالان، کنجکاوی، حل مسئله، ارزیابی (غیاثوند، اسماعیلی نسب و اشرفی، ۱۳۹۹).

تجربه نشان داده است که شناسایی و ابراز هیجانات بر سیستم عصبی اثر آرام‌بخشی دارد و به کودکان کمک می‌کند زودتر از افسردگی خلاص شوند (یانگ، ساندمن و کراسک، ۲۰۱۹). شناخت فرد از عواطف و هیجان‌های خود و دیگران و استفاده از آنها برای ایجاد سهولت در تفکر و دستیابی به علل بروز هیجان‌ها و مدیریت مطلوب آن می‌تواند از پدید آمدن بسیاری از مشکلات در روابط افراد جلوگیری کند (خدانهای، ۱۴۰۰). تحلیل تازه و بسیار دقیق بیش از ۳۰۰ مطالعه نشان داده که برنامه‌هایی که برای افزایش مهارت‌های هیجانی طراحی می‌شوند به شکلی چشمگیر توانایی‌های اجتماعی و هیجانی و نیز عملکرد تحصیلی افراد را بهبود می‌بخشند (مک‌کین^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین تحقیقات حاکی از آن است که توانایی مدیریت هیجانات منفی برای حفظ سلامت و بهداشت روان یک فرآیند کاملاً صحیحی است (کوثری و اسماعیلی نسب، ۱۳۹۷).

کودکی که نمی‌خواهد یا نمی‌تواند بیانات خشم یا ناراحتی‌اش را به سوی همسالان مدیریت کند در خطر طرد اجتماعی بعدی قرار می‌گیرد؛ همین‌طور کودکی که به‌طور مناسب قادر به بیان همدردی یا خوشی به همسالانش است احتمالاً رابطه‌ی مثبتی با همسالان دارد (ورمزیار و امیری‌مجد، ۱۳۹۹).

1 Yung, Sandman & Craske

2 McCann

از سوی دیگر اغلب کودکانی که در مدیریت هیجانات خود مشکل دارند رفتارهای ناسازگارانه‌ای را در مدرسه از خود بروز می‌دهند و با دیگران بد رفتار می‌کنند و در بیشتر مواقع معلمان و دانش آموزان آن‌ها را طرد و در نتیجه فرصت‌های آموزشی و یادگیری از آنان سلب می‌شود (مصلحی جویبرای و میرهاشمی، ۱۳۹۶). در واقع می‌توان گفت که همه مشکلات هیجانی و رفتاری به یکدیگر مرتبط هستند. سازگاری در انسان یکی از ویژگی‌هایی است که نقش اساسی در تأمین سلامت روحی و جسمی دارد؛ زیرا مجموعه‌ای از اعمال، رفتارها و موقعیت‌های جدیدی را فراهم می‌کند که با ارائه پاسخ‌های مناسب، انسان را قادر می‌سازد راه کمال را طی کند و این پیشرفت در مقوله‌های روحی و جسمی قابل مشاهده است؛ زیرا در برنامه‌ها و وظایفی که فرد برای آنها اجتماعی شده است، کارکرد مؤثری دارد (موسی کاظمی، شفیع پور مطلق و موسی کاظمی، ۱۳۹۹). کودکان دارای اختلالات رفتاری رفتارهای ناسازگاری دارند، ویژگی این گونه رفتارها این است که اولاً تأثیر منفی بر فرآیند رشد و انطباق مناسب کودک با محیط دارد. ثانیاً مزاحمت برای زندگی دیگران و استفاده آنان از شرایط به وجود می‌آورد (رشید و همکاران، ۱۳۹۸).

متخصصان برای پیشگیری از مشکلات شایع دوران کودکی یا پیشگیری از تشدید آن‌ها سعی کرده‌اند والدین را بارشد کودک و فنون مدیریت رفتار آشنا کنند. برنامه‌های آموزش والدین روز به روز متداول‌تر می‌شوند و روانشناسان می‌توانند با اجرا کردن این برنامه‌ها نقش مهمی در این خصوص ایفا کنند. در نگاه کلی، برنامه‌های آموزش والدین عمدتاً بر درمان رفتار ناسازگارانه کودکان متمرکزند. در این برنامه‌ها والدین هستند که باید برنامه‌ها را اجرا کنند یا رفتار خود و محیط را تغییر دهند تا فرزندانشان مهارت‌های جدید را بهتر یاد بگیرند و رفتارهای منفی را راحت‌تر کنترل کنند (بارلو، مالنی، ناولت، گاکلیش و بیلی، ۲۰۱۶).